مجلهٔ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت
شمارهٔ پیاپی ۷۰، بهار و تابستان، سال۱۴۰۲
Journal of research on Issues of Education
http://isoedmag.ir
Research Article
مقاله علمی پژوهشی

عنوان: شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

زهرا احمدی[۱]، حسنیه سادات اسمعیلی*[۲]، عفت عباسی[۳]، سیدمحمدرضا امام جمعه[۴]

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی در اسناد و مدارک بالا دستی کشور جمهوری اسلامی ایران با روش پژوهش تحلیل محتوا کیفی انجام شد. جامعه آماری تحقیق، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی، نقشه جامع علمی کشور، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که در زمره مهم ترین اسناد و مدارک رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. با توجه به هدف پژوهش کلیه اسناد به عنوان جامعه هدف مورد مطالعه قرار گرفتند و از نمونه گیری استفاده نشد. مؤلفه های عدالت آموزشی شناسایی شده در نهایت در ۵ مضمون کلی فراگیر دسته بندی شدند که عبارتند از توجه به عدالت در عناصر برنامه درسی، توانمندسازی عادلانه، پوشش همه مخاطبان، مدیریت و توزیع عادلانه منابع و توجه به نقادی و تقویت روحیه عدالت گرایی که این مضامین شامل۲۰ مضمون سازمان دهنده و ۹۱ مضمون پایه می‌باشند. برای تحقق عدالت آموزشی در طراحی و تدوین برنامه ها به این مؤلفه ها باید توجه شود تا کلیه یادگیرندگان در همه مناطق کشور به شکل عادلانه از فرصت های آموزشی و تربیتی بهره برند.

اطلاعات مربوط به مقاله

کلید واژگان
عدالت آموزشی، اسنادبالادستی جمهوری اسلامی ایران، تحلیل محتوا کیفی

[۱]. دانشجو دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایرانzahmadi2022@gmail.com
[۲]. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزیh.esmayili96@gmail.com
[۳]. دانشیار گروه آموزشی برنامه ریزی درسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران، ایرانeffatabbasi@gmail.com
[۴]. دانشیار،گروه برنامه‌ریزی درسی،دانشکده علوم انسانی،دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.m-r-imam@yahoo.com

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

مقدمه

مسألهٔ عدالت، همیشه به عنوان گفتمان اصلی و حیاتی ترین عامل نهادهای اجتماعی مطرح بوده است. ازآنجا که آموزش و پرورش و مدارس جزء نهادهای اجتماعی هستند بحث عدالت در این محیط ها، یک نکتهٔ کلیدی است. به طوری که یکی از مؤثرترین راه های تحقق عدالت در جامعه، عدالت آموزشی است. یکی از شاخص های مهم توسعه جوامع بشری نیز عدالت است، که مفهوم عدالت آموزشی را به عنوان یکی از مهمترین آنها دربرمی‌گیرد (یمانی و همکاران، ۲۰۱۷). عدالت آموزشی بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است و زمینه برخورداری افراد را از امکانات برابر آموزشی فراهم می آورد (قریشی خوراسگانی و دیگران،۱۴۰۰). برابری فرصت ها در بعد کلان نوعی نگاه انسان گرایانه و عدالت خواهانه را با خود به همراه دارد که غالباً به عنوان یک شاخص جامعه توسعه یافته در نظر گرفته می‌شود. اما در بعد خُرد برابری فرصت ها و عدالت آموزشی ابزار و سازوکاری است که موجب شکوفا شدن اندیشه های خلاق شده و امکان پرورش قابلیت را برای همه به طور مساوی تامین می‌کند. فرصت مساوی به موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن حتی افرادی که از پایگاه ثروت و یا عضویت در گروه هایی که از امکانات و امتیازات ویژه برخوردار نیستند، امکان تحرک اجتماعی از طریق آموزش و تحصیل را دارا باشند (محمدی و دهقان، ۱۳۸۳). با بررسی برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی از دو دیدگاه متفاوت، می‌توان آن را به عنوان یک هدف یا وسیله‌ای در جهت تحقق هدف بلندمدت ایجاد برابری اجتماعی دانست. در مفهوم لیبرال کلاسیک، مفهوم برابری که اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بر آن استوار است، یعنی همه افراد بدون توجه به نژاد، رنگ، منشأ اجتماعی و ملی، در حقوق برابر و آزادند. در این مفهوم، برابری در آموزش به این معنی است که افراد باید در شروع زندگی کاری و آموزش برابر باشند. در نگرش سوسیالیستی، آموزش همچنین به عنوان ابزار اصلی برای برابر کردن تفاوت‌های اجتماعی تلقی می‌شود. برابری فرصت های آموزشی زمانی محقق می گردد که همه افراد در دست یابی به آموزش برابر باشند. این هدف امروزه در سطح بین المللی پذیرفته شده، اما کاملاً تحقق نیافته است (لینونن، ۲۰۰۰). عدالت به معنای رساندن افراد به حق و حقوق خود است که معنای آن از توجه به تفاوت ها تا یکسان سازی برای تحقق این مهم در نوسان است. شهید مطهری، سه معنی ۱) موزون بودن و تعادل ۲) تساوی و نفی هرگونه تبعیض و ۳) رعایت حقوق افراد و عطاء کردن حق به ذی حق را برای مفهوم کلمه ی عدالت بیان می‌نماید (طاهری، ۱۳۸۸ به نقل از مطهری، ۱۳۷۷). از منظر علامه طباطبایی، عدالت میانه روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری است و معنای اصلی عدالت، اقامه مساوات میان امور است، به این که به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا امور مساوی شود و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است، قرار گیرد(محمد زاده به نقل از علامه طباطبایی، ۱۴۰۱). مفهوم عدالت آموزشی نیز همواره و در همه اعصار مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است و آنان در طی زمان های مختلف تلاش نموده اند تا طراحی برنامه های درسی را به گونه ای انجام دهند که هرچه بیشتر به سمت نظریه های یادگیری مبتنی بر عدالت محوری سوق یابد. اهمیت بیشتر عدالت آموزشی نسبت به عدالت در سایر حوزه ها به دلیل تاثیرگذاری آن در طول زندگی می باشد، زیرا عدالت آموزشی نقش اساسی در افزایش اعتماد به نفس، آینده شغلی، پایگاه اجتماعی و اجتماعی شدن افراد دارد (مومنی مهموئی و پورفاطمی، ۱۳۹۷). تعریف عدالت در آموزش بسیار گسترده است و هم به "عدالت در فرصت ها و هم به "عدالت در پیامدهای آموزشی" تأکید دارد. عدالت آموزشی به مواردی چون بی عدالتی در دستیابی، مشارکت و حضور، موفقیت و پیامد های آموزشی و محیط یادگیری منصفانه فارغ از زمینه های اقتصادی–اجتماعی، محل سکونت، قومیت و جنسیت، توجه می‌کند. (دشتی رحمت آبادی، ۱۳۹۵). عدالت آموزشی زمانی در محیط های یادگیری اتفاق می‌افتد که یادگیرندگان از طریق درون دادها و فرآیندها در مدارس، بتوانند اهداف علمی، اجتماعی، اعتقادی و آموزشی را کسب کنند (یمانی و همکاران، ۲۰۱۷). اگر مهمترین هدف در عدالت آموزشی را تأمین فرصت های برابر بدانیم، آنگاه دو رکن اساسی برای تأمین فرصت های برابر را می‌توان در نظر گرفت که یکی از آنها تأمین منابع مالی از طریق کمک های مالی برای نهاد های آموزشی و دیگری گسترش کمی آموزش است (فریدونی و روحانی، ۱۳۹۸). از دیدگاه بریگهاوس و آنترهالتر(۲۰۱۰) نیز عدالت آموزشی برابر با مساوات

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

نیست، بلکه به معنای توزیع منابع و فرصت های آموزشی متناسب با نیاز هر شخص می‌باشد. در واقع عدالت آموزشی به مهیا سازی فرصت های برابر، متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد؛ زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع یادگیری و پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی باهم متفاوت هستند. منظور از فرصت برابر جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت و نژاد و وضعیت اقتصادی است (مرزوقی، حیدری و حیدری، ۲۰۱۳). به طور کلی عدالت آموزشی را برابری در برخورداری از شرایط ذیل دانسته اند: ۱) از نقطه نظر دسترسی یا برخورداری آموزشی؛ در این زمینه نسبت ثبت نام‌کنندگان به کل جمعیت لازم التعلیم، محو بیسوادی، نفی تبعیض برای طبقات مختلف و... مدنظر است. ۲) منابعی که برای درونداد در اختیار نظام آموزشی قرار گرفته است؛ این منابع می‌تواند شامل هزینه سرانه، برنامه ها، متون و روش های آموزشی، امکانات کمک آموزشی و... باشد. ۳) عملکرد نظام آموزشی؛ عملکرد نظام آموزشی را می‌توان همان تعهد نظام آموزشی به جامعه، تلقی کرد که در میزان گذر از یک دوره به دوره دیگر، افت تحصیلی، بسندگی محتوا و متون آموزشی با نیاز فرد و جامعه، و... بروز می‌کند (حسینی، ۱۳۸۹).

بذر جنبش عدالت آموزشی جدید در حال رشد است. آنها را می‌توان در افزایش تلاش‌های سازمان‌دهی جامعه و جوانان، در توسعه فعالیت معلمان، و در ایجاد اخیر اتحاد های جدید در سطوح محلی، ایالتی و ملی یافت که سازمان‌دهی مردمی را به طیف وسیعی از ذی نفعان مرتبط می‌کند. بسیاری از این فعالان و ذینفعان شروع به ارائه برنامه ای برای دگرگونی مدارس کرده اند که به تلاش های گسترده تر برای رسیدگی به فقر و نژادپرستی مرتبط است (وارن، ۲۰۱۴). نژاد پرستی به عنوان یکی از شاخص های عدم تحقق عدالت اجتماعی و آموزشی، همچنان یک مشکل مبرم در سراسر جهان است. سوگیری‌های آشکار و ضمنی نژادی و فرهنگی افراد و سیستم‌ها، علاوه بر ایجاد آسیب‌های جسمی، عاطفی و روانی غیر قابل توجیه به افراد و گروه‌هایی که توسط گروه مسلط به عنوان افراد خارجی تلقی می‌شوند، می‌تواند در توانایی افراد برای کار با یکدیگر اختلال ایجاد کند. تحقیقات نشان داده است که گروه‌های ناهمگون نژادی و فرهنگی نسبت به گروه‌های همگن سخت‌تر کار می‌کنند و تصمیمات خلاقانه‌تر و منصفانه‌تری می‌گیرند (اریکسون و همکاران، ۲۰۲۳). تا حدی که مک گی، کارشناس سیاست اقتصادی و اجتماعی (۲۰۲۱) معتقد است که بزرگترین تهدیدها برای بقای جامعه (به عنوان مثال، تغییرات آب و هوا، بیماری، نابرابری) تنها با کثرت گرایی نژادی و فرهنگی قابل غلبه هستند. امروزه نابرابری آموزشی یکی از مهمترین مسائل در زمینه تدوین برنامه درسی است که نقش تعیین کننده و سهم زیادی در ارتقاء و بهبود آموزش و توسعه دارد (شیرکرمی و بختیارپور،۱۳۹۳). منظور از فرصت برابر جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی و طبقه اجتماعی است (بنیت و همکاران، ۲۰۰۱). پیشرفت جامعه امروز ما منوط به تحقق عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی می‌تواند آموزش و پرورش ما را در همه حوزه ها دچار تحول کند و زمینه بروز استعداد ها و توانمندی ها را در سطح کلان فراهم آورد (ثناگو و همکاران، ۱۳۹۰) جنبش عدالت آموزشی نمی‌تواند تنها با کار کردن در آموزش و پرورش به تنهایی موفق شود، بلکه باید راه هایی را بیابد که فراتر از آموزش به سازماندهی تلاش ها پیرامون حقوق شهروندی متصل شود. اگر آموزش، موضوع حقوق شهروندی روز است، پس باید به یک جنبش اجتماعی تبدیل شود زیرا مسئله حقوق شهروندی نسل ما یک مسئله مرگ و زندگی است(وارن، ۲۰۱۴).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که با درک ضرورت تحول بنیادین در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در سال ۱۳۹۰ رونمایی شد به عنوان یکی از مهمترین اسناد داخلی در بحث عدالت آموزشی مطرح می باشد؛ به نحوی که گاه از آن تحت عنوان قانون اساسی نظام تعلیم و تربیت ایران یاد می‌شود (یدالهی و همکاران، ۱۳۹۸). علاوه بر سند تحول بنیادین یکی دیگر از اسناد مهم در کشور، برنامه درسی ملی است. برنامه درســی ملی در لغت به معنای برنامه‌ای است که بیشتر دانش آموزان مدارس باید آن را دنبال کنند(لغت نامه کوبیلد، ۲۰۱۹) و یک برنامه مطالعه مشــترک با ماهیتی سیاســی، تجویزی و قانونی (بچر نقل شده در آقازاده و سنه، ۱۳۹۲)، در مدارس است که با هدف اطمینان از یکنواختی محتوا و استانداردهای آموزشی، استانداردسازی برنامه درسی و آموزش ها، ایجاد هماهنگی و عدالت آموزشی طراحی شده است و راهنمایی برای تنظیم و تدوین محتواها و اجرای آموزش ها در سطوح

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

پایین تر را فراهم می‌کند (اولیوا ، ۲۰۰۹). برنامه درسی ملی به عنوان نقشه کلان برنامه های درسی و چارچوب نظام برنامه، کارکرد های گوناگون دارد. ایجاد هماهنگی و عدالت آموزشی و کاستن از تفاوت های شدید میان مدارس در برنامه های درسی و اجرای آموزش ها، کاستن از فقر روشی، محتوایی و روند اجرای برنامه درسی در سطح کشور، استاندارد سازی برنامه درسی، یکنواخت و یکدست شدن استانداردها در سراسر کشور و نظام آموزشی (اولیوا، ۲۰۰۹) از مهمترین این کارکرد هاست. کارکردهای گوناگون برنامه های درسی ملی سبب شده است در دهه های اخیر نظام های آموزشی کشورهای گوناگون نسبت به تهیه و تدوین آن اقدام کنند. در کشور ما نیز برنامه درسی ملی به منزله یکی از زیر نظام های شش گانه محسوب می‌شود و در عملیاتی شدن سایر زیر نظام ها، نقش محوری ایفا می‌کند. چنین نقش و کارکردی سبب می‌شود تا پژوهش در زمینه برنامه درسی ملی از اهمیت بالایی برخوردار باشد (رعنایی و دیگران،۱۴۰۰). یکی دیگر از اسناد بالادستی که در آن به مقوله عدالت آموزشی پرداخته شده است، سند نقشه جامع علمی کشور است که بنا به تعریف، مجموعه ای است جامع و هماهنگ و پویا و آینده نگر، شامل مبانی، اهداف، سیاست ها و راهبردها، ساختار ها و الزامات تحول راهبردی علم و فناوری مبتنی بر ارزش های اسلامی برای دستیابی به اهداف چشم انداز بیست ساله کشور در این سند تلاش شده بر مبانی ارزشی و بومی کشور، تجربیات گذشته و نظریه ها و نمونه های علمی و تجارب عملی تکیه شود (سند نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹).

عدالت آموزشی یکی از بحث های اصلی در هر نظام آموزشی است که برای تحقق آن تلاش های بسیاری صورت می‌گیرد. در ایران نیز با توجه به قانون اساسی و برای دسترسی یادگیرندگان به فرصت های آموزشی عادلانه تلاش های زیادی شده است تا زمینه دستیابی به عدالت آموزشی تسهیل شود. در این میان شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی از اهمیّت ویژه ای برخوردار است. با توجه به پیشینه پژوهشی موجود توجهی به شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی در اسناد بالادستی نشده است. شناسایی این شاخص ها و مؤلفه ها از یک سو راهنمای عمل برنامه ریزان درسی قرار گرفته و از سوی دیگر برای مجریان برنامه ها به عنوان راهنمای عمل مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش شناسایی مولفه های عدالت آموزشی در اسناد بالادستی کشور جمهوری اسلامی ایران است.

راولز عدالت آموزشی را از سه جنبه مطرح می‌کند:

۱) برابری در منابع فیزیکی در سند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش اینطور بیان شده است: موضوع تجهیزات آموزشی و فناوری های نوین، و به ویژه کاربرد آن در فرایند آموزش یکی از مهم ترین و حیاتی ترین دغدغه های هر مؤسسه یا واحد آموزشی است چرا که این تجهیزات نیاز به اعتبارات مالی دارند و باید براساس نیازهای آموزشی پیش بینی و تهیه شوند. این تجهیزات باید کافی بوده و از استانداردهای لازم برخوردار باشند، به علاوه چون نیاز به نگهداری و پشتیبانی دارند باید به شکل مناسب و بهینه مورد استفاده قرار گیرند. این تجهیزات شامل تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی، تجهیزات اداری و سیستم های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است. اعم از میز و صندلی، تخته سیاه یا وایت برد، میز و صندلی معلم در کلاس درس، سیستم برودت و گرمایش در کلاس های درس، ویدئو پروژکتور برای ارائه مطالب آموزشی، تخته های هوشمند، کمد نرم افزارهای آموزشی مورد استفاده معلم و دانش آموزان، کتب مناسب، روزآمد و مورد نیاز دانش آموزان و وضعیت تجهیزات و امکانات اداری مدرسه و ... استفاده از این ابزارها فرایند یاددهی یادگیری را تسریع، تسهیل و تعمیق می‌بخشد.

۲) برابری هایی در روابط اساسی: وقتی مسائل کودکان فقیر مورد توجه قرار می‌گیرد، فقط گهگاهی روابط خانوادگیشان ذکر می‌شود. جنبش اصلاح مدارس تلاش می‌کند تا اهمیت تعامل در خانواده را گوشزد نماید. اما پیرامون کیفیت روابط مورد نیاز برای سلامت فکری، اخلاقی و رشد عواطف کودکان بحث چندانی صورت نمی‌دهد.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

۳) برابری برنامه درسی: فرض کنید که والدین یک خانواده ی بزرگ ناهمگن هستیم. بعضی از فرزندانمان حقیقتاً دارای علایق و تمایلات علمی هستند؛ آنان موضوعات معمولی را کاملاً جذاب می‌یابند. بقیه ی فرزندانمان دارای استعداد های ماشین سواری هستند؛ بعضی استعدادهای هنری دارند، برخی استعدادهای ورزشی دارند ولی بیشترشان استعدادهای افراد عادی را دارند (نادینگز،۲۰۰۴، ص ۲۲۶). آیا همه ی آنان باید تعلیم و تربیت یکسانی داشته باشند؟ دیویی اظهار می‌دارد آنچه بهترین و خردمندترین والدین برای فرزند خودشان می‌خواهند، باید اجتماع برای همه ی کودکانش بخواهد. هر ایده ی دیگری برای مدارس کوته بینانه و غیر جذاب است، طبق همین ایده ها عمل کردن، دموکراسی را از بین می رود (انصاری و رجبی،۱۳۹۵).

جدول ۱. نمونه پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی در حوزۀ عدالت آموزشی

ردیف	پژوهشگران/ سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
۱	تورهان (۲۰۱۰)	رهبری عدالت اجتماعی: پیامدهایی برای نقش ها و مسئولیت های مدیران مدرسه	تضمین عدالت اجتماعی در مدارس ارتباط تنگاتنگی با رفتارهای رهبری مدیران مدارس دارد. مدارس از نظر عواملی مانند نژاد، جنسیت، قومیت از دانش‌آموزان و معلمان مختلفی تشکیل شده است. تأمین و تقویت عدالت اجتماعی در چنین محیط اجتماعی بر عهده مدیران مدارس است. بنابراین، مطالعات مربوط به نقش رهبری مدیران مدارس برای تضمین عدالت اجتماعی مورد نیاز است.
۲	جوگوویچ و همکاران (۲۰۲۳)	آگاهی معلمان از تنوع و وجدان انتقادی عدالت اجتماعی در مدارس	بر اساس این پژوهش، اگر می‌خواهیم سیستم‌های آموزشی را برای همه فراگیرتر کنیم، هم آگاهی از تنوع و هم آگاهی انتقادی باید از طریق برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان پیش از خدمت و ضمن خدمت حمایت شوند. با توجه به اینکه معلمان نقش بسزایی در حمایت یا ممانعت از فرصت‌های آموزشی و پیشرفت دانش‌آموزان به ویژه گروه‌های محروم دارند، این شایستگی‌ها را یک ضرورت برای ایجاد عدالت اجتماعی در آموزش می‌دانیم.
۳	مارتینز–والدیویا (۲۰۲۰)	مسئولیت اجتماعی و تربیت معلم دانشگاه: راهی برای تعهد و عدالت اجتماعی در مدارس	مسئولیت اجتماعی و آموزش دانشگاهی باید در تمرین نظری–عملی و حرفه ای معلمان آینده کلیدی باشد، زیرا کیفیت و بهبود آموزش با ارتقای واقعی مسئولیت اجتماعی به عنوان یک شایستگی اساسی در برنامه درسی معلمان آینده تعیین می‌شود.
۴	استویانوف (۲۰۱۶)	عدالت آموزشی به عنوان احترام به برابری گرایی	مهم‌ترین شکل بی‌عدالتی آموزشی، بی‌احترامی به گروه‌های خاصی از دانش‌آموزان از طریق بی‌اعتنایی به باورها، تجربیات، آرمان‌ها و دستاوردها و نیز توانایی آنان است. بی عدالتی آموزشی به عنوان فقدان همدلی و احترام شناختی نسبت به دانش آموزان ظاهر می شود. برای غلبه بر این بی عدالتی آموزشی، مؤسسات آموزشی باید اشکال آموزشی را طراحی و اجرا کنند که به طور یکسان شامل باورها و تجربیات همه دانش آموزان باشد. اگر اصول احترام در آموزش رسمی به طور کامل اجرا می شد، نابرابری های اجتماعی، اقتصادی و دانشی بین دانش آموزان دیگر موضوع بی عدالتی آموزشی نخواهد بود.
۵	یمانی و همکاران (۲۰۱۷)	عدالت آموزشی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی یک	«آموزش عادلانه» شامل پنج دسته می‌شود: برنامه درسی کارآمد، توسعه یادگیرنده، رفتارعادلانه مربیان، ارزیابی منصفانه و محیط عادلانه و چهار زیر مجموعه: مربی

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

		دانشکده پزشکی در ایران: یک مطالعه کیفی	توانمند، جذب مربی کارآمد، ایجاد فرصت های یادگیری و حرفه ای بودن .
۶	سامری و همکاران (۱۳۹۴)	تبیین نابرابری های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی موردشناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی	بیشترین میزان نابرابری در شاخص های دانش آموزی و کمترین میزان نابرابری در شاخص پیشرفت تحصیلی بود. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که شاخص امکانات دانش آموزی دارای بیشترین و شاخص امکانات فیزیکی دارای کمترین تأثیرات بر نابرابری مناطق بودند. نتایج با استفاده از شبکه عصبی نیز نشان داد که بیشترین تأثیر را شاخص اقتصادی و کمترین تأثیر را نیروی انسانی در پیشگیری نابرابری مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی دارند.
۷	قاسمی اردهانی، حیدرآبادی و رستمی (۱۳۹۲)	زمینه های خانوادگی نابرابری فرصت های آموزشی مطالعه موردی: دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر	بیشترین نابرابری فرصت های آموزشی در بعد مدرسه وجود داشته و سپس ابعاد محله و خانواده قرار می‌گیرند. همچنین مهمترین متغیر تأثیرگذار بر میزان نابرابری فرصت های آموزشی، پایگاه اقتصادی – اجتماعی است. این در حالیست که حساسیت والدین و مهارت های ارتباطی نیز بر نابرابری فرصت های آموزشی تأثیر دارد.
۸	بابادی عکاشه و همکاران (۱۳۸۷)	تامین و گسترش برابری فرصت ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان	(تأسیس انجمن های خیرین مدرسه ساز در مناطق محروم)، مهم ترین راهکار موجود تأمین و گسترش برابری فرصت ها و عدالت آموزشی است و راهکار توزیع متناسب معلمان با کیفیت و ماهر در مناطق مهمترین راهکار مطلوب تأمین و گسترش برابری فرصت ها و عدالت آموزشی است. راهکار دیگر، آماده کردن برنامه ریزان نسبت به اهمیت و نتایج برابری فرصت های آموزشی است.
۹	اسلامی هرندی و همکاران (۱۳۹۸)	شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در آموزش وپرورش ایران	یافته ها نشان داد که عدالت آموزشی شامل سه مضمون فراگیر با عنوان بسترسازی عادلانه، توزیع منابع، بهره مندی عادلانه از منابع و شایسته پروری است.

روش

در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوا کیفی و بررسی اسناد استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل اسناد بالادستی کشور جمهوری اسلامی ایران مرتبط با حوزه آموزش می باشد که عبارتند از : سند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰_ ۱۳۹۶)، با توجه به هدف پژوهش کلیه اسناد به عنوان جامعه هدف مورد مطالعه قرار گرفتند و از نمونه گیری استفاده نشد. ابزار جمع آوری داده ها و اطلاعات پژوهش فیش، چک لیست ها و فرم های محقق ساخته است. در این پژوهش، تحلیل محتوای اسناد در در پنج مرحله انجام شده است:

۱) مرحله ی اول، مطالعه ی اسناد مورد تحلیل: در این مرحله، اسناد یاد شده به طور دقیق مطالعه شدند و همه ی گزاره هایی استخراج شدند که انتظار می‌رفت بتوان از آن ها، کد هایی در ارتباط با مفهوم عدالت آموزشی استخراج شود.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

۲) مرحلـه ی دوم، مقوله بنـدی یافته هـای اسـناد: در ایـن مرحلـه، روش مقوله بندی مناسب انتخـاب و سـعی شـد تـا هـر مقولـه، نماینده ی یـک متغیـر مجـزا باشـد کـه بـه اهـداف پژوهـش مربـوط اسـت.

۳) مرحلـه ی سـوم، بررسـی مقوله هـا بـا مضامیـن: در ایـن مرحلـه، هر کدام از گزاره های جمع آوری شـده بـرای قـرار گرفـتن در هریک از مقوله هـا(مضامین پایه) نشانه گذاری شدند؛ به عبارت دیگر، هر یک از گزاره هـای استخراج شده از پژوهش هـا بررسـی شـد تـا مشـخص گـردد آیا پدیـده ی توصیف شده در آن، در یکی از مقوله هـای مدنظـر جـای میگیرد یا خیر.

۴)مرحلـه ی چهـارم، کدگـذاری مقوله هـای انتخابـی: در ایـن مرحله، مقوله بندی با روش کدگذاری (مضامین سازمان دهنده) انجام گردید. در کدگذاری باز تمام داده ها بدون اینکه هیچ اولویتی برای داده ها در نظر گرفته شود تحلیل و در چند مقوله (مضامین پایه) دسته بندی شدند و در کد گذاری محوری چندین مقوله اصلی که بتوان سایر مقوله ها را از درون آنها استخراج کرد، انتخاب شدند و سپس در کدهای منتخب (مضامین سازمان دهنده۱) و مضامین فراگیر سازمان یافتند.

۵) مرحلـه ی پنجـم، تفسـیر نتایـج: درنهایت، در مرحلـه ی آخـر، داده هـا پـردازش و نتایج تفسیر شـدند.

یافته‌ها

جدول۲: مضامین و مؤلفه‌های یافت شده

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
توجه به عدالت در عناصر برنامه‌درسی	توجه برنامه درسی به عدالت در محیط آموزشی	توجه برنامه درسی به غنی سازی محیط تربیتی، تکثر در محیط های یادگیری، متناسب سازی فضای تربیتی با ویژگی ها و نیازهای دانش آموزان و اقتضائات فرهنگ اسلامی- ایرانی، متناسب سازی فضاهای فیزیکی و آموزشی با نیازهای ویژه و تفاوت های جنسیتی دانش آموزان، طراحی فضای تربیتی متناسب با اقتضائات برنامه درسی و شرایط اقلیمی، طراحی، ساخت و تجهیز مناسب فضای فیزیکی مدارس به عنوان محیط تعلیم و تربیت
	توجه برنامه درسی به عدالت در محتوای آموزشی	تناسب محتوای برنامه درسی با نیازها، علایق و ویژگی های دانش آموزان، سازماندهی محتوای برنامه درسی با توجه به نیاز های فردی و اجتماعی دانش آموزان، متناسب سازی محتوا در برنامه درسی با توانمندی ها و ویژگی های دانش آموزان، متناسب سازی موضوعات تربیتی با مراحل رشد و ویژگی های دانش آموزان
	توجه برنامه درسی به عدالت در فرصت های آموزشی	ایجاد فرصت برای بکارگیری آموخته ها و توجه به تفاوت های فردی و مقتضیات محلی، تنوع در فرصت های تربیتی متناسب با نیاز های دانش آموزان، تنوع در فرصت های آموزشی متناسب با مصالح جامعه و نیازها و علایق دانش آموزان
	توجه به عدالت جنسیتی در آموزش	توجه بیشتر به هویت جنسیتی دانش آموزان، توجه به تفاوت جنسیتی و فردی و قومی و فرهنگی، توجه برنامه درسی به تفاوت های ناشی از محیط زندگی، جنسیتی و فردی دانش آموزان، عدالت آموزشی جنسیتی، طراحی برنامه های آموزشی متناسب با نیازها و نقش های دختران وپسران، رعایت اقتضائات هویت جنسیتی دانش آموزان در برنامه های درسی
	ارزشیابی عادلانه	ارائه شواهد متنوع و کافی برای قضاوت سطح دانش آموز، توجه به وجوه متفاوت یادگیری در ارزشیابی، بوجود آوردن امکان مشارکت دانش آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش جهت منعکس نمودن وجوه توانایی های متفاوت دانش آموزان، تأکید بر بهره گیری از تکالیف عملکردی در سنجش، رعایت حقوق متوازن و متعادل دانش آموزان و مجریان برنامه در ارزشیابی

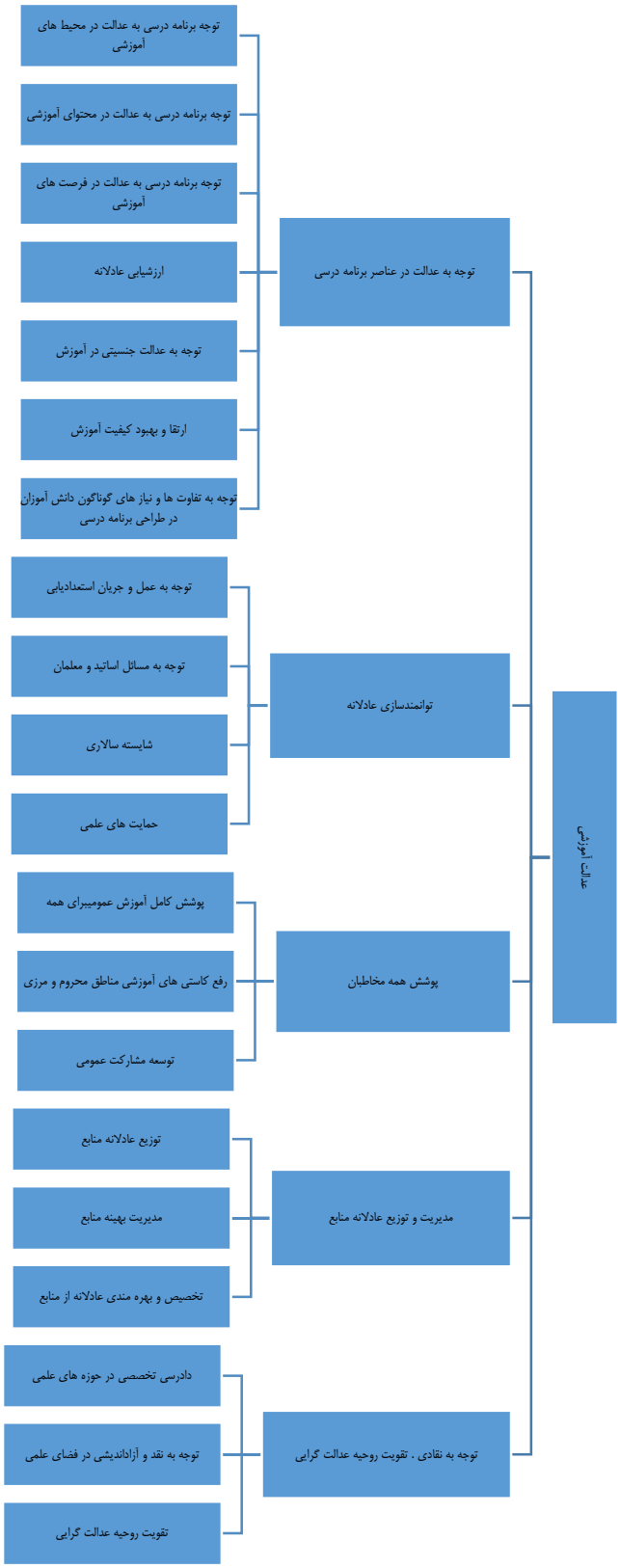
[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

	توجه به تفاوت ها و نیاز های گوناگون دانش آموزان در طراحی برنامه درسی	تاکید برنامه های درسی بر نیاز های گوناگون دانش آموزان و جامعه در سطوح مختلف، طراحی و تدوین برنامه های درسی متناسب با تمام دانش آموزان (عادی، استعداد درخشان، با نیاز های ویژه)، توجه به شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش آموزان در انتخاب فعالیت های یادگیری، تنوع روش های یادگیری در آموزش، توجه برنامه درسی به تغییرات گوناگون متربی و تسهیل فرایند رشد او در ابعاد مختلف، توجه به علایق و نیازهای مختلف دانش آموزان، توجه به تفاوت های متربیان در آموزش (وراثت، محیط، نتایج اعمال و رفتار)، آموزش متناسب با همه ابعاد وجودی انسان، تحقق عدالت تربیتی با رعایت تفاوت های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی، توجه به تأمین نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی، عدالت در طراحی و تدوین با توجه به ویژگی های شخصیتی و محیطی، توجه به شرایط روحی دانش آموزان در سنین بلوغ
	ارتقا و بهبود کیفیت آموزش	گسترش مهارت های مورد نیاز جامعه در همه دوره های تحصیلی، توجه به راهنمایی و مشاوره (تحصیلی و تربیتی)، محتوای الکترونیکی متناسب با نیازهای دانش آموزان، تعمیق و گسترش آموزش های عمومی و تخصصی، فضای مساعد جهت تولید علم، ارتقا آگاهی های علمی عمومی، افزایش توانایی علمی دانش آموزان (از طریق هوشمند سازی مدارس)، توسعه فرهنگ کتابخوانی (خصوصاً در مناطق روستایی)
توانمندسازی عادلانه	توجه به عمل و جریان استعدادیابی	کشف و هدایت استعدادهای متنوع فطری و پاسخگویی به نیازها، علایق و رغبت دانش آموزان، طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی، توجه به کلیه ظرفیت های وجودی دانش آموزان و استعدادیابی، جذب استعدادهای برتر در علوم انسانی
	توجه به مسائل اساتید و معلمان	حل مشکلات اجتماعی و معیشتی معلمان، ارتقای صلاحیت علمی و حرفه ای معلمان، ارتقا سطح معیشتی و اجتماعی معلمان، حمایت از اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری
	شایسته سالاری	توجه به استقرار انسان های شایسته برای احراز مرجعیت علمی، جذب نخبگان و متخصصان در حوزه های اولویت دار آموزشی، ارتقای شایسته سالاری در انتصابات، توجه به شایستگی معلمان در نظام رتبه بندی
	حمایت‌های علمی	حمایت از حوزه های علم و فناوری، حمایت از طرح های پژوهشی، ایجاد بستر مشارکت دانشمندان ایرانی در مجامع جهانی، حمایت از ارائه مقالات معتبر، حمایت از پژوهش های علوم انسانی و رساله ها، حمایت از پایان نامه ها و رساله های تحصیلی علوم انسانی و هنر، حمایت از توسعه پـارک هـای علـم و فنـاوری
پوشش همه مخاطبان	پوشش کامل آموزش عمومی برای همه	عدالت آموزشی در مناطق مختلف، پوشش دادن همه مخاطبان
	رفع کاستی‌های آموزشی مناطق محروم و مرزی	عدالت آموزشی در مناطق محروم، حمایت از توانمند سازی دانش آموزان در مناطق محروم و دوزبانه، تامین منابع، تربیت نیروی کارآمد و حمایت مادی و معنوی دانش آموزان مناطق محروم و مرزی، حمایت از دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی و پوشش دادن همه مخاطبان، توجه به آموزش مناطق عشایری و روستانشین در برنامه ریزی های آموزشی، تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی، افزایش توانایی علمی دانش آموزان مناطق محروم
	توسعه مشارکت عمومی	تشویق مشارکت عمومی، حمایت از نهادهای غیردولتی

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

مدیریت و توزیع عادلانه منابع	توزیع عادلانه منابع	توجه به توانایی ها و ظرفیت های مدارس در توزیع مواد و منابع یادگیری ،توزیع اثربخش و عادلانه منابع انسانی در کشور، دسترسی به منابع علمی
	مدیریت بهینه منابع	نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت نهاد های علمی، شفاف سازی هزینه های تحصیلی، افزایش سهم آموزش دوره عمومی از بودجه دولت، حمایت از انجمن های خیرین مدرسه ساز
	تخصیص و بهره‌مندی عادلانه از منابع	توسعه امکانات و تجهیزات، توزیع متناسب و عادلانه منابع و امکانات آموزشی
توجه به نقادی و تقویت روحیه عدالت گرایی	دادرسی تخصصی در حوزه های علمی	ایجاد نهاد دادرسی تخصصی علم و فناوری
	توجه به نقد و آزاداندیشی در فضای علمی	حمایت از آزاداندیشی و نقد پذیری عالمانه، ترویج و تعمیق نقد و مناظره
	تقویت روحیه عدالت‌گرایی	تربیت انسان عدالتخواه، توجه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به عدالت محوری و مشارکت جویی، نهادینه سازی روحیه تلاش برای گسترش عدالت در جامعه، توجه برنامه های درسی به تربیت نسلی عدالت خواه، پرورش روحیه عدالت خواهی در دانش آموزان از طریق ایجاد فرصت برای آنان جهت به چالش کشیدن ایده های خود در خصوص مسائل اجتماعی، تعالی هویت دانش آموزان جهت تقویت روابط عدالت گستر

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]



شکل ۱.قالب نهایی مضامین عدالت آموزشی

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

بحث و نتیجه‌گیری

توجه به مؤلفه های عدالت آموزشی از مهم ترین پایه های آموزشی هر کشوری محسوب می‌شود و در این میان توجه به آرمان ها و اهداف کلان نظام های آموزشی کشورها که در اسناد بالادستی سیاسی و آموزشی آنها مشهود است، از اهمیّت ویژه ای برخوردار است زیرا این اسناد نشان دهنده ی غایات تربیتی جامعه هستند. در این پژوهش با روش تحلیل محتوا کیفی سعی بر آن شد تا مؤلفه های عدالت آموزشی در اسناد و مدارک بالا دستی کشور جمهوری اسلامی ایران بررسی شود. در این راستا، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی، نقشه جامع علمی کشور، برنامه ششم توسعه و قانون اساسی که جزو مهم ترین اسناد و مدارک رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشند، از منظر شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. مؤلفه های عدالت آموزشی شناسایی شده در نهایت در ۵ مضمون کلی فراگیر دسته بندی شدند که عبارتند از توجه به عدالت در عناصر برنامه درسی، توانمندسازی عادلانه، پوشش همه مخاطبان، مدیریت و توزیع عادلانه منابع و توجه به نقادی و تقویت روحیه عدالت گرایی که هرکدام از این مضامین فراگیر شامل یک سری مضامین سازمان دهنده و مضامین پایه هستند و در مجموع ۲۰ مضمون سازمان دهنده و ۹۱ مضمون پایه شناسایی شد که در این بخش به بررسی و همسویی برخی از این مضامین یافت شده با نتایج پژوهش های دیگر پرداخته می‌شود. در مضمون فراگیر توجه به عدالت در عناصر برنامه درسی، مضامین سازمان دهنده توجه به تفاوت ها و نیاز های گوناگون دانش آموزان در طراحی برنامه درسی، ارتقا و بهبود کیفیت آموزش، ارزشیابی عادلانه و توجه به عدالت جنسیتی در آموزش شناسایی شدند که با یافته های پژوهش اسلامی هرندی و همکاران (۱۳۹۸) همسو می‌باشند. زمانی که ارزشیابی از فعالیت های آموزشی، پرورشی و انضباطی دانش آموزان و ارائه امتیاز به آنها عادلانه و منصفانه صورت گیرد فرصت یکسانی برای همه جهت رشد توانایی های خود ایجاد می‌شود و درنتیجه عدالت آموزشی در ارزشیابی ها نیز قابل مشاهده است (اسلامی هرندی و همکاران، ۱۳۹۸). در مضمون فراگیر توانمندسازی عادلانه، مضامین سازمان دهنده شایسته سالاری و توجه به مسائل اساتید و معلمان شناسایی شدند که با یافته های پژوهش های بابادی عکاشه و همکاران (۱۳۸۷) و یمنی، شاتر جلالی و اقبالی (۲۰۱۷) همخوانی دارند. در مضمون فراگیر پوشش همه مخاطبان، مضامین پوشش کامل آموزش عمومی برای همه، رفع کاستی های آموزشی مناطق محروم و مرزی و توسعه مشارکت عمومی شناسایی شدند که با یافته های پژوهش های شیر کرمی و بختیار پور (۱۳۹۳) و اسلامی هرندی و همکاران (۱۳۹۸) همسویی دارد. در مضمون فراگیر مدیریت و توزیع عادلانه منابع، مضامین توزیع عادلانه منابع، مدیریت بهینه منابع و تخصیص و بهره مندی عادلانه از منابع شناسایی شدند که بابادی عکاشه و همکاران (۱۳۸۷) و یمنی، شاتر جلالی و اقبالی (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود به این یافته ها اشاره داشته اند. با توجه به یافته های این پژوهش، برخی از مواردی که باید مورد توجه نظام های آموزشی و نهاد آموزش و پرورش جهت نهادینه کردن عدالت آموزشی قرار گیرد، بحث توجه به پوشش دادن همه ی مخاطبان، توجه به مسائل اساتید و معلمان و توانمند سازی کلیه یادگیرندگان با توجه به نیاز ها و شرایط متفاوت و متنوع آن ها می‌باشد. اگر کلیه فراگیران با توجه به موقعیت و شرایط محیطی، جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی، قومیتی و غیره دسترسی آموزشی عادلانه ای داشته باشند، روند پیشرفت آنها نیز سریع تر و عادلانه تر صورت خواهد گرفت که این مسئله بر آینده ی تحصیلی و شغلی آنان نیز بسیار تأثیر گذار است. همچنین برای تحقق عدالت آموزشی در طراحی و تدوین برنامه ها به این مؤلفه های شناسایی شده باید توجه و اهتمام بیشتری شود تا کلیه یادگیرندگان در همه مناطق کشور به شکل عادلانه از فرصت های آموزشی و تربیتی بهره برند.

منابع

اسلامی هرندی، فاطمه؛ کریمی، فریبا و نادی، محمد علی (۱۳۹۸). شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی در آموزش وپرورش ایران. فصلنامه پژوهش در نظامهای آموزشی. ۱۳ (۴۷). ۵۵-۷۵

آقازاده، محرم و سنه، افسانه(۱۳۹۲).تربیت بدنی در برنامه درسی ملی.رشد آموزش تربیت بدنی ۱۳(۳)،۱۴-۱۹.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

بابادی عکاشه، زهرا، شریف، سیدمصطفی، و جمشیدیان، عبدالرسول. (۱۳۸۹). تامین و گسترش برابری فرصت ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان. رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۷).

ثناگو،اکرم؛نوملی،مهین و مهستی جویباری،لیلا. (۱۳۹۰). تبیین عدالت آموزشی در دانشجویان علوم پزشکی: بررسی دیدگاه و تجربیات دانشجویان علوم پزشکی، *نشریه افق توسعه آموزش پزشکی*،

حسینی، سیدحسن. (۱۳۸۹). مسئله برابری در آموزش وپرورش.آیین، ش ۳۲ و۳۳

دشتی رحمت آبادی،محمدرضا (۱۳۹۵).تدوین مدل عملیاتی نظام تخصیص مالی آموزش عالی سلامت در ایران از منظر عدالت آموزشی [پایان نامه]. تهران، ایران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

رعنایی، مجید ؛مهرمحمدی، دکتر محمود ؛ دلاور، دکتر علی ؛ خسروی بابادی، دکتر علی اکبر(۱۴۰۰)؛تعلیم و تربیت.(۳۷)۱۴۸، ۳۱ _۵۴

سامری، مریم، حسنی، محمد، و سیدعباس زاده، میرمحمد. (۱۳۹۴). تبیین نابرابری های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی موردشناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی. جغرافیا و آمایش شهری – منطقه ای، -(۱۴)، ۱۰۵-۱۲۲.

سند نقشه جامع علمی کشور، مصوب ۱۴/۱۰/۱۳۹۸

شیرکرمی، جواد و بختیار پور، سعید. (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری ها در دستیابی به فرصت های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰. فصلنامه آموزش و ارزشیابی.سال هفتم، شماره ۲۶. ص ۵۸-۴۱

طاهری(۱۳۸۸). عدالت از نگاه شهید مطهری. پگاه حوزه ۱۳۸۸ شماره ۲۵۳

فریدونی، سمیه، و روحانی، شادی. (۱۳۹۸). سیاست های گسترش کمی آموزش عالی در ایران و پیامدهای آن بر عدالت آموزشی. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۵(۲)، ۱-۲۱. SID. https://sid.ir/paper/518655/fa

فرقانی، بهمن. (۱۳۹۶). عدالت اجتماعی از منظر لیبرالیسم. انتشارات دنیای اقتصاد تابان.

قاسمی اردهایی، علی، حیدرآبادی، ابوالقاسم، و رستمی، نیر. (۱۳۹۰). زمینه های خانوادگی نابرابری فرصت های آموزشی مطالعه موردی: دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر. جامعه شناسی مطالعات جوانان ۱ (۱). ۱۲۵-۱۴۷

قریشی خوراسگان،مریم سادات،نظرزاده زارع،محسن،بهرامی،بهنوش(۱۴۰۰).بررسی وضعیت عدالت آموزشی در مدارس دولتی شهر تهران.(۱)۹، ۲۶۲- ۲۸۸.

محمدزاده، روناک،۱۴۰۱،عدالت آموزشی: عوامل تاثیرگذار بر تحقق آن و شناسایی موانع عدم تحقق،دومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت،بندرعباس، https://civilica.com/doc/1648509

محمدی، محمد علی و دهقان، حسین. (۱۳۸۳). آموزش و پرورش و گفتمان های نوین. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

مومنی مهموئی، حسین، و پورفاطمی، علی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه ادراک از عدالت آموزشی و آگاهی از آینده شغلی با اشتیاق تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی. مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، ۱۳(۴)، ۳۳۲-۳۴۴. SID. https://sid.ir/paper/208256/fa

نگارنده، سید جواد و رضایی، زهرا. (۱۳۸۷). مجموعه مقالات همایش چالش های اجتماعی ایران. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. تهران

یدالهی،انور؛زارعی،محمد حسین؛یاوری،اسداله.(۱۳۹۵). بررسی تطبیقی رویکرد سند ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران به عدالت آموزشی جنسیتی.فصلنامه پژوهش حقوق عمومی.سال بیست و یکم ،شماره ۶۵

یزدانی، شهرام، دشتی رحمت آبادی، مرضیه، افشار، لیلا، احمدی، سلیمان، و درخشان، اکبر(۱۳۹۹). اقدامات لازم برای حرکت به سوی عدالت آموزشی در آموزش عالی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۲۰(۸۳)، ۲۲۸-۲۳۸.

Bennett, C., Both, C., & Yeadle, S. (2001). Mainstreaming equality in the committees of the Scottish parliament. University of Strathclyde, 5(7), 10-21.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]

Brighouse, H., & Unterhalter, E. (2010). Education for primary goods or for capabilities? In Brighouse, H. and Robeyns, I. (Eds.) Measuring Justice: primary Goods ND Capabilities: Cambridge, Cambridge University Press, 193-214.

Erickson, J. D., Rousseau, K. P., Barlow, M., Wing, K., & Thompson, W. C. (2023). Collaborative Autoethnography as a Tool for Developing Social Justice–Oriented Preschool Experiences. *Kappa Delta Pi Record*, *58*(sup1), 43-48.

Leinonen, T. (2001). *Equality of Education-A Comparative Study of Educational Ideologies of the World Bank and the Governments of Zambia in 1971-1996* (Master's thesis).

Martínez-Valdivia, E., Pegalajar-Palomino, M. D. C., & Burgos-García, A. (2020). Social responsibility and university teacher training: Keys to commitment and social justice into schools. *Sustainability*, *12*(15), 6179.

McGhee, H. (2021). The sum of us: What racism costs everyOne and how we can prosper together. One World.

Oliva, P. F. (2009). Developing the curriculum (7th ed.). Boston: Pearson.

Pikić-Jugović, I., Matić-Bojić, J., Puzić, S., Odak, I., Brajković, S., Dahlström, H., ... & Rožman, M. (2023). Teachers' diversity awareness and critical consciousness-sine qua non of social justice in schools. *Zbornik Instituta za pedagoska istrazivanja*, *55*(1), 189-210.

Stojanov, K. (2016). Educational justice as respect egalitarianism. *Критика и хуманизъм*, (46), 249-260.

Turhan, M. (2010). Social justice leadership: Implications for roles and responsibilities of school administrators. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *9*, 1357-1361.

Warren, M. R. (2014). Transforming public education: The need for an educational justice movement. *New England Journal of Public Policy*, *26*(1), 11.

Yamani, N., Shaterjalali, M., & Eghbali, B. (2017). Educational justice from the perspective of postgraduate students in a medical school in Iran: A qualitative study. *Research and Development in Medical Education*, *6*(1), 23-28.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-11-21]